



امیر سرتیپ دوم «خالد امامی راد» از رزمندگان اهل تسنن کردستان:

## زخم زبان ها را به جان خریدم تا باری از دوش انقلاب بردارم

اهل تسنن متولد شدم. پدر کشاورزی ساده بود اما به واسطه ارتباطی که با برخی دوستان ارتشی اش داشت علاقه مند بود من هم مقتدر به پوشیدن لباس نظامی شوم. سرانجام در مهر ماه سال ۵۷ در سن ۴ ماهه پیش از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی وارد دانشگاه افسری شدم. با پیروزی انقلاب در ۲۲ بهمن ماه همان سال برخی از دانشجویان از ارتش جدا شدند اما من با افتخار لباس ارتش جمهوری اسلامی ایران را بر تن کردم و به تحصیل در دانشگاه افسری امام علی (ع) در تهران ادامه دادم. تحصیل در دانشگاه ادامه داشت و ما به روزهای پایانی سال دوم تحصیل مان نزدیک شده بودیم.

یک سال دیگر بیشتر تا جشن فارغ التحصیلی مان نمانده بود چون آن روزها دانشگاه افسری ۳ ساله بود و یکسال دیگر با درجه ستوان دومی فارغ التحصیل می شدم. به خاطر دارم در روز سی و یکم شهریور ماه سال ۵۹ وقتی مشغول تمرین مراسم فارغ التحصیلی سال سومی ها بودیم، ناگهان هواپیماهای عراق فرودگاه مهرآباد تهران را بمباران کردند و از آنجا بود که جنگ برایمان شروع شد.

**\* اطرافیان نسبت به پیوستن شما به ارتش موضع نداشتند؟**

خیر پدرم یکی از مشوق های من بود و به خاطر دارم وقتی برای دریافت گواهی تحصیلی به مدرسه رفتم مدیر مدرسه جلوی پایم قیام کرد و گفت موفق باشی جناب سروان. این حرکت باعث شد بیش از گذشته به کارم عشق داشته باشم. البته بعضی از هم کلاسی ها با خدمت ما به انقلاب و نظام

پیش از پیروزی انقلاب وقتی دیپلمش را گرفت با وجود این که در رشته بیولوژی دانشگاه تهران هم پذیرفته شده بود وارد ارتش شد. چند ماهی از ورودش به دانشگاه نگذشته بود که انقلاب مردم ایران به ثمر نشست و طاغوت برای همیشه از میان رفت و جمهوری اسلامی به سان نهالی مبارک قد کشید. در آن ایام با وجود اذیت و آزارهایی که گروهک های ضد انقلاب به وفاداران نظام روا می داشتند پای آرمان های نظام و امام خمینی (ره) ایستاد و تمام سختی ها را به جان خرید و ۸ سال ابتدایی خدمتش در ارتش را به دفاع از خاک وطن پرداخت. زیباترین خاطره نظامی اش آزاد سازی خرمشهر است و البته تلخ ترین خاطره اش هم سقوط این شهر... او توانسته است درجات عالیه نظامی را طی کند و با درجه سرتیپ دومی بازنشسته شود. آری او یک کرد است؛ سربازی وفادار از برادران اهل سنت که امروز با وجود بازنشستگی به روایت روزهای جنگ در دانشگاه های استان کردستان مشغول است. امیر سرتیپ دوم «خالد امامی راد» را در باغ موزه دفاع مقدس شهر سنندج ملاقات کردم. مکانی که تا پیش از انقلاب محل خوشگذرانی افسران شاهنشاهی بود و امروز مقتدر است به میزبانی پیکرهای شهدای گمنام استان کردستان. گفت و گوی ما با وی را می خوانید:

**\* از معرفی خودتان و نحوه ورودتان به ارتش شروع کنید. چطور**

**شد که تصمیم گرفتید لباس نظامی بر تن کنید؟**

خالد امامی راد هستم. متولد سال ۱۳۳۷. در شهر سنندج و در خانواده ای